

گونه‌شناسی منابع بقیع پژوهی

عمار ابوطالبی^۱

چکیده

حرم بقیع، به واسطه دفن امامان شیعه علیهم‌السلام، بزرگان صحابه، چهره‌های برجسته‌ای از علمای مذاهب اسلامی و مشاهیر جهان اسلام، همواره مورد احترام همه مسلمانان بوده و هست. هر چند در دوره‌های گوناگون، کتاب‌هایی درباره بقیع به رشته تحریر درآمده؛ اما هنوز زوایای بسیاری از بقیع مبهم و مغفول مانده که نیازمند پژوهش است. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های پژوهشگران، شناسایی منابع مرتبط با موضوع پژوهش است. این مقاله بر آن است تا با گونه‌شناسی منابع بقیع پژوهی، راهنمای محققان مزارپژوه باشد. این نوشتار نشان خواهد داد برای پژوهش علمی درباره بقیع، غیر از پژوهش‌های معاصر، به گونه‌های مختلفی از منابع نیازمند هستیم که عبارتند از: منابع تاریخ مدینه، منابع شخصیت‌شناسی، سفرنامه‌ها، منابع تاریخی (تاریخ اسلام و تاریخ محلی)، منابع جغرافیایی، منابع فقهی، کلامی و حدیثی و اسناد دوره عثمانی و قاجاری.

کلید واژه‌ها:

بقیع، مدینه، آثار و منابع، مزار پژوهی.

۱. (ab.ammar1376@chmail.ir).

۱. استاد یار گروه شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب

مقدمه

بقیع یا بقیع الغرقه، قدیمی‌ترین مزاری است که از سال‌های آغازین هجرت، محل دفن مسلمانان بوده است. اهمیت این مزار که مدفن چهار امام شیعیان، صحابه و شخصیت‌های برجسته مسلمانان است، برکسی پوشیده نیست. بنابراین پژوهش درباره بقیع، از اهمیت به سزایی برخوردار است. از این رو در جهان اسلام، مقالات و کتاب‌های متعددی توسط شیعیان و اهل سنت، پیرامون بقیع نگاشته شده است. واکاوی زوایای مختلف بقیع، نیازمند تتبع فراوان در منابعی است که به حسب ظاهر با بقیع ارتباطی ندارند. از این رو به نظر می‌رسد کمبود منابع مرتبط و عدم آشنایی با سایر منابع قابل استفاده در این حوزه، از موانع ارتقای کمی و کیفی پژوهش پیرامون بقیع است.

این مقاله در تلاش است گونه‌های مختلفی از منابع قابل اتکا برای پژوهش در خصوص اماکنی مانند بقیع را در هفت محور تاریخ مدینه، منابع شخصیت‌شناسی، سفرنامه‌ها، منابع تاریخی و جغرافیایی، منابع فقهی، کلامی و حدیثی، اسناد دوره عثمانی و قاجاری و منابع معاصر معرفی و بررسی نماید.

۱. تاریخ مدینه

این دسته از منابع، شامل کتاب‌هایی است که با موضوع تاریخ مدینه نوشته شده است. این کتاب‌ها علاوه بر تاریخ بقیع، در مواردی توصیف‌های خوبی نیز از آن ارائه کرده‌اند. قدیمی‌ترین منبعی که درباره بقیع نگاشته شده *اخبار المدینه* ابن زباله (د. ۱۹۹ ق.) است که مرجع کتاب‌های بعدی قرار گرفته و هر چند متأسفانه امروزه اثری از آن نیست؛ اما در سال‌های اخیر تلاش شده با استفاده از مطالبی که سایر منابع از آن نقل کرده‌اند، بازسازی شود. (ابن زباله، ۲۰۰۳) اندکی پس از او *اخبار المدینه* ابن شبّه

نمیری (د. ۲۶۲ ق.) از مهم‌ترین منابع تاریخ مدینه است که تقریباً همه منابع بعدی، بدان استناد کرده‌اند. با توجه به تاریخ حیات نویسنده، مطالب او بسیار ارزنده و مهم است. (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰) سومین کتاب مرجع در این حوزه، *الدرة الثمينة فی تاریخ المدینه* نگاشته ابن نجار (د. ۶۴۳ ق.) است که به نوعی منبعی برای آثار بعدی بوده است. (ابن نجار، ۲۰۰۶)

حدود یک قرن پس از ابن نجار، مطری (د. ۷۴۱ ق.) *التعریف بما آنست دارالهجرة* را تألیف کرد که بیش از کتاب ابن نجار مورد استناد و استفاده واقع شده است. (مطری، ۱۴۲۶) پنجمین منبع مهم پیرامون تاریخ مدینه که به موضوع بقیع نیز پرداخته، *وفاء الوفا سمهودی* است. وی بسیار مفصل‌تر از دیگران به این موضوع پرداخته و گزارش‌های درخور توجهی نیز ارائه کرده است. (سمهودی، ۲۰۰۱)

نکته حائز اهمیت در خصوص این منابع در درجه اول، دسترسی آنها به برخی منابعی است که ما بدان‌ها دسترسی نداریم و در درجه دوم، گزارش و توصیف‌هایی است که هرکدام از عصر خویش و یا کمی قبل از آن، ارائه کرده و در شکل‌گیری تصویر بقیع در قرون مختلف و نیز درک نحوه تعامل مسلمانان با بقیع مؤثر است؛ همچنان‌که تطور عمرانی و تمدنی بقیع را نیز از خلال همین منابع می‌توان به دست آورد.

۲. منابع تاریخی و جغرافیایی

مهم‌ترین منابع برای موضوعاتی با رویکرد تاریخی، کتاب‌های تاریخی هستند. این منابع، اطلاعات خوبی در ارتباط با بقیع و برخی وقایع مرتبط با آن دارند؛ مانند وقایع مرتبط با دفن عثمان در حش ککب (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۵) یا توسعه بقیع در زمان بنی‌امیه (طبری، ۱۹۶۷، ج ۴، ص ۴۱۲) و ... که باید آنها را در این دسته از منابع پی‌جویی کرد.

تاریخ‌های محلی یعنی کتاب‌هایی که درباره تاریخ شهر یا منطقه خاصی نگاشته شده‌اند نیز اطلاعاتی در زمینه بقیع دارند. مثلاً برخی کارکردهای فرهنگی یا تمدنی بقیع با نام برخی چهره‌های سرشناس جهان اسلام پیوند خورده است؛ به طوری که بسیاری از ایشان نه تنها اهل حجاز نیستند؛ بلکه حتی در مدینه نیز ساکن نبوده‌اند و شناسایی ایشان، مستلزم مراجعه به این دسته از منابع است. به عنوان مثال برخی افرادی که پیکرشان به مدینه منتقل شده، در کتاب تاریخ بخارا و کاشغرو خوقند (شمس بخارائی، ۱۳۷۷، صص ۳۴-۳۳) و وقف شاه طبرستان برای بقیع در کتاب تاریخ طبرستان آمده است. (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، ص ۱۲۰)

منابع جغرافیایی، اطلاعاتی درباره اماکن مختلف جغرافیایی در اختیار خوانندگان قرار می‌دهند. برخی از این منابع درباره بقیع یا اماکن مرتبط با آن مانند حُش کُکب سخن گفته‌اند. (حموی، ۱۹۹۵، ج ۲، ص ۲۶۲) این دسته از منابع، در شناسایی اماکنی که به نوعی کارکرد فرهنگی بقیع را بیان می‌کنند نیز مفید هستند؛ به عنوان نمونه یکی از کارکردهای فرهنگی بقیع، انتقال جنازه به مدینه و دفن آن در بقیع است. در منابع تاریخی، اسامی اماکنی به عنوان مبدأ انتقال جنازه ذکر شده که یا امروزه اثری از آنها نیست یا اینکه نسبت آن با مدینه، برای ما روشن نیست. منابع جغرافیایی در حل این دو مشکل نیز به محققان کمک می‌کنند. برخی از این منابع عبارت‌اند از الاستبصار، (الاستبصار فی عجائب الأمصار، بی‌تا) معجم البلدان، (حموی، ۱۹۹۵) معجم معالم الحجاز (البلادی، ۱۴۰۱) و

۳. سفرنامه‌ها

یکی از عادت‌های مسلمانان، نگارش سفرنامه یا طومار حج بوده که از آغاز تا پایان سفر و برخی حوادث طول مسیر را گزارش می‌کردند. از دیگر ویژگی‌های این

نوشته‌ها، توصیف اماکن مهم شهرهای مسیر به‌ویژه حرمین شریفین و نگارش جزئیات حرم‌های مطهر و مقابر معروف جهان اسلام است. نویسندگان این آثار، معمولاً به آداب و رسوم شهرها در حوزه‌های گوناگون نیز پرداخته و به‌نوعی روایتگر تاریخ اجتماعی شهرهای مسیر نیز هستند. گزارش همه موارد پیش‌گفته در حرمین شریفین، از کمیت و کیفیت بیشتری نسبت به دیگر شهرها برخوردار بوده و اطلاعات موجود در این دسته از منابع، در کنار گزاره‌های تاریخی، مکمل دانسته‌های ما درباره حرمین شریفین است، به‌ویژه آن‌که برخی توصیف‌های تمدنی یا گزارش‌های فرهنگی، تنها در این منابع آمده است.

سفرنامه‌نویسی در جهان اسلام از قرن سوم و با سفرنامه ابن فضلان به آسیای مرکزی آغاز شد. (ابن فضلان، ۲۰۰۳) سفرنامه مناسک ابن مازه (د. ۵۶۶ ق.)، فقیه حنفی و فارسی‌زبان در سال ۵۵۲ ق. شاید قدیمی‌ترین سفرنامه حج باشد. (ابن مازه، ۱۳۹۲) سفرنامه‌نویسی در میان اهل سنت، بسیار بیشتر از شیعیان رواج داشته و آثار پرشماری در این حوزه از خویش به یادگار گذاشته‌اند. مانند: سفرنامه ابن جبیر (د. ۵۸۰ ق.) (ابن جبیر، ۲۰۰۸) سفرنامه عبدی (تاریخ سفر ۶۸۸ ق.) (عبدی، ۱۴۱۹) سفرنامه ابن بطوطه (د. ۷۷۹ ق.) (ابن بطوطه، ۱۴۱۷) سفرنامه عیاشی (تاریخ سفر ۱۰۷۲ ق.) (عیاشی، ۲۰۰۶) سفرنامه نابلسی (د. ۱۱۴۳ ق.) (نابلسی، ۱۹۹۸) و ... هرچند سفرنامه ابن حوقل (د. پس از ۳۶۷ ق.) (ابن حوقل، بی‌تا) و ناصر خسرو (د. ۴۸۱ ق.) (ناصر خسرو، بی‌تا) جزو قدیمی‌ترین سفرنامه‌های شیعیان هستند اما در مجموع، شیعیان کمتر از اهل سنت به این مهم پرداخته‌اند. ایرانیان از قدیم به نگارش سفرنامه اهتمام داشتند؛ اما نگارش سفرنامه حج، تقریباً از قرن سیزده در بین ایشان رواج و توسعه یافته‌اند: تذکرة الطريق (کرناتکی، ۱۳۸۹)، سفرنامه بروجردی (بروجردی، ۱۳۸۹)، سفرنامه مکه حسام السلطنه (حسام السلطنه، ۱۳۷۴)، سفرنامه مکه میرزا محمد حسین

فراهانی (فراهانی، ۱۳۸۹) و ... رسول جعفریان بیش از پنجاه سفرنامه حج صفوی تا قاجاری را در مجموعه‌ای ده جلدی با همین نام، جمع‌آوری نموده است.

با توجه به گستردگی اطلاعات موجود در سفرنامه‌ها و آگاهی‌های فراوانی که آنها در اختیار ما قرار می‌دهند، طبیعی است که محققان برای عینی و ملموس کردن کارکردهای مختلف بقیع، از آنها استفاده کنند. سفرنامه‌های اهل سنت در مورد بقعه عثمان (صبری پاشا، بی‌تا، ج ۳-۴، ص ۹۹۸) و سفرنامه‌های شیعیان درباره بقعه اهل بیت علیهم‌السلام و مسجد فاطمه علیها‌السلام (بیت الحزن) آگاهی‌های فراوانی را در اختیار ما قرار می‌دهند. (حسام السلطنه، ۱۳۷۴، ص ۱۵۲).

۴. منابع شخصیت‌شناسی

مقصود از منابع شخصیت‌شناسی، کتاب‌های تراجم، رجال، طبقات و انساب است. این دسته از منابع به طور کلی حاوی اسامی راویان احادیث و شخصیت‌های برجسته و مطرح دینی و اجتماعی مذاهب مختلف هستند.

منابع رجالی بیشتر به توثیق و تضعیف افراد پرداخته‌اند؛ هر چند در مواردی، برخی اطلاعات جزئی پیرامون آنها نیز ارائه داده‌اند. مانند: رجال کشی (کشی، ۱۴۰۴) یا معجم رجال الحديث (خویی، ۱۳۷۲). در کتاب‌های تراجم به طور مفصل به تاریخ زندگانی و شخصیت افراد پرداخته شده و اطلاعات به نسبت کاملی در آنها وجود دارد. مانند: اسد الغابة (ابن اثیر، ۱۴۰۹)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب (ابن عبد البر، ۱۴۱۲). اما تعیین طبقه‌ای که این افراد در آن می‌زیستند، بر عهده کتاب‌های طبقات است. مانند: الطبقات الکبری (ابن سعد، ۱۴۱۰). برای آگاهی از نسب افراد و شناسایی پدر، اجداد یا برادر و فرزندان ایشان و یا تاریخ وفات یا محل دفن آنها باید به منابع نسب‌شناسی مراجعه کرد. مانند: نسب قریش (مصعب بن عبدالله، ۱۹۹۹) و زهرة المقول

ياتحفة الازهار وزلال الانهار في نسب ابناء ائمة الاطهار (ع) (الشدقمي الحسيني، ۱۴۲۳).

بیان برخی کارکردهای تاریخی، فرهنگی یا تمدنی بقیع با اسامی چهره‌هایی از مشاهیر اسلامی پیوند خورده که درک بهتر این کارکردها، محققان را مجبور به مراجعه و استفاده از منابع شخصیت‌شناسی می‌کند. به عنوان نمونه انتقال جنازه از خارج مدینه به این شهر جهت دفن در بقیع، یکی از کارکردهای فرهنگی آن است. برای دستیابی به این افراد، باید به این دسته از منابع مراجعه کرد. از سوی دیگر برای درک بهتر اهمیت انتقال پیکر برخی افراد به مدینه، ابتدا باید گزارش مختصری پیرامون شخصیت و جایگاه آنها ارائه کرد که همگی، متکی به منابع شخصیت‌شناسی است. نمونه دیگر به کارکردهای تمدنی بقیع مرتبط است. بنای ساختمان و گنبد بر روی قبور و اهتمام به حفظ و مرمت آنها، یکی از این کارکردهاست. هر چند گزارش این نوع مطالب معمولاً برعهده منابع تاریخی است؛ اما در مواردی این منابع شخصیت‌شناسی هستند که برای اولین بار به گزارش این موارد پرداخته‌اند. به عنوان نمونه بخشی از اطلاعات درباره سازندگان یا تعمیرکنندگان بقعه‌های بقیع (ضامن بن شدقم، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۴۳) یا توصیف داخل آنها، توسط برخی کتاب‌های انسب نقل شده است. (الشدقمی الحسيني، ۱۴۲۳، ص ۱۰۸).

۵. منابع فقهی، کلامی و حدیثی

کتاب‌های فقهی فریقین، دربردارنده نظرات فقهی بزرگان مذاهب اسلامی است. در میان مسلمانان، آداب و رسوم در ارتباط با اموات و قبرستان‌ها وجود دارد که طبیعی است برخی از آنها در بقیع نیز نمود داشته؛ مانند: قرائت قرآن بر مزار اموات یا گذاشتن گل بر روی قبور و از سوی دیگر، شرع مقدس پیرامون برخی از این امور نظر دارد؛ برخی را تأیید و برآن تأکید کرده؛ مانند قرائت قرآن و احیاناً برخی را رد و نهی

کرده؛ مانند نیاچه! و در برخی موارد قائل به تفصیل است؛ مانند برداشتن تربت مزار به نیت تبرک.

برای اطلاع از نظر فقهی مذاهب اسلامی در این موضوعات و در مواردی برای کشف سابقه برخی عادات در زیارت قبور، نیازمند مراجعه به منابع فقهی هستیم. به عنوان نمونه منابع فقهی شیعی برداشت تربت مزار ائمه بقیع علیهم السلام را جایز نمی دانند (گلپایگانی، بی تا، ج ۴، ص ۲۷۸)

در آثار کلامی نیز، مطالبی مرتبط با بقیع وجود دارد. به عنوان نمونه بحث «شدّ رحال برای زیارت» که از موضوعات پرچالش در حوزه زیارت است، در منابع کلامی مورد بحث و بررسی واقع شده است. (سبکی، ۱۴۱۹)

از سوی دیگر، گاهی برخی مطالب تاریخی بقیع، در منابع کلامی آمده؛ مانند: جریان ساخت گنبدهای بقیع که عبدالجلیل قزوینی در *النقض*، آنها را به خوبی توضیح داده است. (رازی قزوینی، ۱۳۵۸، ص ۸۳، ص ۲۱۹) یا جریان ساخت ضریح ائمه بقیع علیهم السلام که در کتاب *کشف الارتیاب* به طور مفصل نقل شده است. (امین، بی تا، صص ۳۲۵-۳۲۴) هر چند برخی از این مطالب در منابع تاریخی نیز ذکر شده؛ اما در مواردی، بهترین و کامل ترین گزارش ها در یک کتاب کلامی آمده است؛ مانند جریان ساخت گنبدهای بقیع در *نقض قزوینی* و *ماجرای انتقال ضریح* از ایران به مدینه در *کشف الارتیاب*! در مواردی، برخی کارکردهای فرهنگی بقیع مانند انتقال جنازه به مدینه را نیز در این دسته از منابع می توان پی جویی کرد. (امینی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۱۰۴، ص ۱۱۶)

مطالب مرتبط با فضایل بقیع (نوری، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۹) یا برخی روایات درباره چگونگی تدفین اموات (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹، ص ۲۷) یا برخی اطلاعات مرتبط با بقیع، مانند اعمال مسجد فاطمه علیها السلام (بیت الاحزان) نیز در منابع حدیثی آمده است (شیخ

صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۷۷.

۶. اسناد دوره عثمانی و قاجاری

اسناد عثمانی که بیشتر آنها در ترکیه نگهداری می‌شود، حاوی مکاتبات اداری مدینه با پایتخت عثمانی و یا مکاتبات ادارات مدینه با یکدیگر است که بیشتر متعلق به اواخر قرن سیزده و نیمه اول قرن چهارده است. مکاتبات تولید حرم و استاندار مدینه یا برخی گزارش‌های ارسالی آنها برای پایتخت عثمانی، حاوی اطلاعات ارزشمندی است که مکمل دانسته‌های بقیع پژوهان است. به عنوان نمونه برخی اطلاعات تمدنی بقیع مانند اینکه شخصی به عنوان مسئول یا بزرگ قبرکن‌های بقیع فعالیت داشته (مرکز بحوث و دراسات المدینة المنورة، ۱۴۳۴، ج ۳، ص ۴۰) یا رایگان بودن دفن در بقیع، از این اسناد استفاده می‌شود. از سوی دیگر از میان این اسناد می‌توان جایگاه اجتماعی برخی شخصیت‌های مرتبط با بقیع را نیز به دست آورد. به عنوان نمونه اینکه متولی بقیع اهل بیت علیهم‌السلام از امامان جماعت حرم نبوی و از خطیبان آن بوده، از این اسناد به دست می‌آید (مرکز بحوث و دراسات المدینة المنورة، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۳).

اسناد قاجاری نیز که در آرشیو ملی ایران و آرشیو اسناد وزارت امور خارجه نگهداری می‌شود، حاوی مکاتبات اداری حکومت قاجاری با عثمانی‌هاست که عمده آنها متعلق به اواخر قرن سیزده و نیمه اول قرن چهارده است. بخشی از این اسناد، مرتبط با بقیع است که به دو قسمت قبل از تخریب و پس از تخریب، تقسیم می‌شود. درباره قبل از تخریب، اسنادی مربوط به مرمت و بازسازی بقیع، پرداخت حقوق نگهبانان بقیع، پرداخت هزینه روشنایی بقیع («آرشیو اسناد پژوهشکده حج و زیارت»، بی‌تا، ش ۱12Haj.OA.) شناسایی شده است. درباره تخریب بقیع و پس از آن نیز بیش از ۵۰۰ برگ سند که ارتباط مستقیم با بقیع دارد، شناسایی شده است؛ مانند: درخواست

دولت ایران از سرکنسول جده برای مذاکره با آل سعود، جهت جلوگیری از تخریب گنبد پیامبر ﷺ («آرشیواسناد پژوهشکده حج و زیارت»، بی تا، ش. Haj.OA. ۳۱۲۴) یا اسناد مرتبط با ساخت، انتقال و نصب ضریح فولادی حرم مطهر ائمه بقیع ﷺ در دوران مظفرالدین شاه قاجار. گفتنی است این اسناد به کوشش علی احمدی در دو مجلد، توسط پژوهشکده حج و زیارت، به چاپ رسیده است.

۷. منابع معاصر

در جهان اسلام مقالات و کتاب‌های متعددی درباره بقیع نگاشته شده که هرکدام از یک منظر، درباره بقیع قلم‌فرسایی کرده‌اند و قطعاً بقیع پژوهان از مراجعه به آنها، مستغنی نخواهند بود. این دسته از منابع در قالب تک نگاری، مقالات علمی ترویجی، مقالات علمی پژوهشی، مقالات دانشنامه‌ای و پایان‌نامه‌ها، قابل دسته‌بندی هستند (نصراصفهانی، ۱۴۰۲).

برخی از این کتاب‌ها یا مقالات علمی پژوهشی، روشمند و بسیار قابل استفاده هستند؛ اما در مجموع کمیت و دربرخی موارد، کیفیت برخی آثار معاصر بقیع پژوهی، متناسب با جایگاه و مکان بقیع نیست. با وجود تلاش مشکور نویسندگان آثار مرتبط با بقیع، نکاتی در برخی از آنها وجود دارد که دانستن آنها خالی از لطف نیست: یک- نداشتن سیر تاریخی در نگارش مطالب؛ به عنوان مثال: وقتی از ساخت گنبد اهل بیت ﷺ سخن به میان آمده، وضعیت آن در دوره‌های مختلف، ذکر نشده است.

دو- پرداختن مفصل به موضوعاتی خارج از بقیع؛ به عنوان نمونه: ارائه توضیحات مفصل و طولانی درباره شخصیت‌های مدفون در بقیع یا نقد نظرات وهابیت در حوزه زیارت و بنای برقبور.

سه- عدم استفاده از منابع دست اول یا عدم ارجاع به آنها؛ در موارد محدود استفاده از منابع دست اول، تنها به برخی منابع معروف اکتفا شده؛ به گونه ای که مثلاً کتاب ابن نجار و مطری، کمتر مورد استفاده قرار گرفته است.

چهار- عدم دسترسی به برخی منابع مهم و دست اول مرتبط با مدینه منوره. به نظر می رسد نویسندگان این آثار به منابع مرتبط با مدینه دسترسی نداشته یا اینکه با آنها آشنا نبوده اند لذا در کتاب های ایشان، کمتر به این منابع توجه شده است. البته برخی منابع مانند *الروضة الفردوسية*، در سال های اخیر تصحیح و چاپ شده اند.

پنج- نبود عمق کافی در مباحث ارائه شده؛ هر چند برخی از این آثار به بعضی کارکردهای بقیع اشاره کرده اند؛ اما به هر دلیل، مباحث آنها عمیق و ریشه ای نیست. به عنوان نمونه برخی از این آثار به وجود مقابر خانوادگی در بقیع اشاره و از مقبره بنی هاشم و بنی امیه در قرن اول به عنوان دو نمونه یاد کرده اند؛ اما این موضوع را در قرن های بعد پی جویی نکرده اند.

شش- عدم تبیین کارکردهای مختلف بقیع یا ارائه برخی از آنها به صورت خیلی مختصر؛ این آثار، به جهت شناساندن بقیع نگاشته شده اند و رویکرد اصلی آنها، معرفی کارکردهای بقیع نبوده است؛ لذا به این حوزه یا نپرداخته اند یا اینکه برخی مظاهر بسیار دم دستی و شایع آن را به جهت معرفی بقیع، آن هم به صورت مختصر، توضیح داده اند. به عنوان مثال: در حوزه فرهنگی، عموم این آثار از مدفونان بقیع سخن گفته اند؛ اما هیچ کدام به جنبه های فرهنگی آن توجه نکرده و فقط اسامی برخی مدفونان را ذکر کرده اند یا در حوزه تمدنی، از قبه های بقیع سخن گفته شده اما نه به عنوان یک موضوع تمدنی.

هفت- ارائه اطلاعات و کلیاتی تکراری و مشابه: بسیاری از این آثار، از بیان

جزئیاتی که تنها با مطالعات موشکافانه قابل دستیابی است، غفلت کرده‌اند. مثلاً بحث انتقال جنازه به مدینه، موضوعی است که با عمق بخشیدن به مطالعات درباره بقیع و موشکافی، قابل دستیابی است؛ اما اینکه قبور اهل بیت علیهم‌السلام گنبد و ساختمان مرتفعی داشته، بسیار دم‌دستی و تکراری است؛ هرچند برخی مطالب درباره همین گنبد نیز تنها با موشکافی و عمق بخشی به مطالعات به دست می‌آید؛ مانند سازندگان و تعمیرکنندگان این بقعه در طول تاریخ.

جمع‌بندی

در سال‌های اخیر، تحقیقات ارزشمندی با موضوع بقیع صورت گرفته که دستاوردهای قابل توجهی در پی داشته و محققان مزارپژوه از آنها بی‌نیاز نیستند؛ اما تکمیل و ادامه این مسیر، دستیابی به نکات جدید و روشن کردن برخی نقاط تاریک و مبهم در این خصوص، بدون پژوهش عمیق و مراجعه به منابع مختلف و دست اول، مقدور نخواهد بود. منابعی که شاید در نگاه اول، ارتباط مستقیمی با مزارپژوهی ندارند اما بیشترین و ناب‌ترین اطلاعات را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. بنابراین انجام پژوهش‌های بنیادین در خصوص بقیع، بدون مراجعه به طیف متنوعی از منابع دست اول و اصیل، دست‌یافتنی نخواهد بود.

منابع

۱. آرشیواسناد پژوهشکده حج و زیارت.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۴۰۹). *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*. دارالفکر.
۳. ابن اسفندیار، محمد بن حسن. (۱۳۶۶). *تاریخ طبرستان*. (محقق: عباس اقبال آشتیانی). پدیده خاور.
۴. ابن بطوطه، محمد بن عبد الله. (۱۴۱۷). *تحفة النظار فی غرائب الأمصار وعجائب الأسفار*. (مصحح: عبدالهادی التازی). مطبوعات اکاديمية المملكة المغربية.

۵. ابن حوقل، محمد بن حوقل. (بی تا). صورة الأرض (ج ۱-۲). دار صادر (افست لیدن).
۶. ابن جبیر، محمد بن احمد. (۲۰۰۸). تذكرة بالأخبار عن اتفاقات الأسفار (ج ۱-۱). المؤسسة العربية للدراسات والنشر - دار السويدي.
۷. ابن زباله، محمد بن الحسن. (۲۰۰۳). اخبار المدينة. (محقق: صلاح عبدالعزيز زين السلامة) (ج ۱-۱). مركز بحوث ودراسات المدينة المنورة.
۸. ابن سعد، محمد بن سعد. (۱۴۱۰). الطبقات الكبرى. دار الكتب العلمية.
۹. ابن شبه نمیری، عمر بن شبه. (۱۴۱۰). تاريخ المدينة المنورة. (مصحح: فهيم محمد شلتوت) (ج ۱-۴). دار الفكر.
۱۰. ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله. (۱۴۱۲). الاستيعاب في معرفة الأصحاب. دار الجیل.
۱۱. ابن فضال، احمد. (۲۰۰۳). رحلة ابن فضال الى بلاد الترك والروس والصقالبة. (محقق: شاکر لعبيی). دار السويدي للنشر والتوزيع.
۱۲. ابن قتيبة، عبد الله بن مسلم. (۱۴۱۰). الإمامة والسياسة. (محقق: علی شیري). دار الأضواء.
۱۳. ابن مازة، محمد بن عمر. (۱۳۹۲). لطائف الاذکار. (مصحح: رسول جعفریان). نشر علم.
۱۴. ابن نجار، محمد بن محمود بن الحسن. (۲۰۰۶). الدرة الثمينة في اخبار المدينة. (صلاح الدين بن عباس شکر، مصحح). مركز بحوث ودراسات المدينة المنورة.
۱۵. الاستبصار في عجائب الأمصار. (بی تا) (ج ۱-۱). وزارة الثقافة والأعلام، دار الشؤون الثقافية العامة - آفاق عربية.
۱۶. امين، محسن. (بی تا). كشف الارتباب في اتباع محمد بن عبد الوهاب (ج ۱-۱). دار الكتب الاسلامی.
۱۷. اميني، عبد الحسين. (۱۴۱۶). الغدير في الكتاب و السنة و الأدب. مركز الغدير للدراسات الإسلامية.
۱۸. ايوب صبري پاشا. (بی تا). مرآت الحرمين. بحرية.
۱۹. بروجردی، محمد علی بن محمد رضی. (۱۳۸۹). بزم غريب. نشر علم.
۲۰. البلاذی، عاتق بن غيث. (۱۴۰۱). معجم معالم الحجاز. دار مكة للنشر والتوزيع.
۲۱. حسام السلطنة. (۱۳۷۴). سفرنامه مکه. (رسول جعفریان). نشر مشعر.
۲۲. حموی، یاقوت بن عبد الله. (۱۹۹۵). معجم البلدان. دار صادر.

۲۳. خویی، ابوالقاسم. (۱۳۷۲). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة (ج ۱-۲۴). مرکز نشر الثقافة الإسلامية فی العالم.
۲۴. رازی قزوینی. (۱۳۵۸). نقض معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض (بعض فضایح الروافض) (ج ۱-۱). انجمن آثار ملی.
۲۵. سبکی، علی بن عبدالكافی. (۱۴۱۹). شفاء السقام فی زیارة خیر الانام. (محقق: سید محمد رضا حسینی جلالی). مشعر.
۲۶. سمهودی، نورالدین علی بن عبدالله. (۲۰۰۱). وفاء الوفا باخبار دار المصطفی. (محقق: قاسم السامرائی) (ج ۱-۵). مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامی.
۲۷. الشدقمی الحسینی، زین الدین بن علی بن الحسن النقیب. (۱۴۲۳). زهرة المقول فی نسب ثاني فرعی الرسول. (سید مهدی رجائی، محقق). کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله.
۲۸. شمس بخارائی. (۱۳۷۷). تاریخ بخارا، خوقند و کاشغر (ج ۱-۱). مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۲۹. شیخ صدوق. (۱۳۶۳). من لایحضره الفقیه (ج ۱-۴). جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۳۰. ضامن بن شدقم. (۱۳۷۸). تحفة الأزهار و زلال الأنهار فی نسب ابناء الأئمة الأطهار علیهم صلوات الملك الغفار (ج ۱-۲). کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
۳۱. طبری، محمد بن جریر. (۱۹۶۷). تاریخ الأمم و الملوك. (مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم). دار التراث.
۳۲. عبدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۹). رحلة العبدی. (محقق: علی ابراهیم کردی). دار سعد الدین للطباعة و النشر.
۳۳. عیاشی، عبدالله بن محمد. (۲۰۰۶). الرحلة العیاشیة. (مصحح: سعید الفاضلی). دار السویدی للنشر و التوزیع.
۳۴. فراهانی، محمد حسین. (۱۳۸۹). سفرنامه مکه. نشر علم.
۳۵. کازرونی، ملا ابراهیم. (۱۳۸۹). سفرنامه مکه. نشر علم.
۳۶. کرناطکی، حافظ محمد عبدالحسین. (۱۳۸۹). تذکرة الطریق. (رسول جعفریان). نشر علم.
۳۷. کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۴). اختیار معرفة الرجال. (محمد باقر بن محمد میرداماد، مصحح،

مهدی رجایی، محقق). مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.

۳۸. گلیایگانی، محمدرضا. (بی تا). مجمع المسایل (ج ۱-۵). دار القرآن الکریم.

۳۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار.

محقق: جمعی از محققان. دار إحياء التراث العربی.

۴۰. مرکز بحوث و دراسات المدينة المنورة. (۱۴۲۲). المدينة المنورة في الوثائق العثمانية.

۴۱. مرکز بحوث و دراسات المدينة المنورة. (۱۴۳۴). المدينة المنورة في الوثائق العثمانية المحفوظه

في فرع وزارة الشؤون الاسلاميه والاعوقاف والدعوة والارشاد بالمدينة المنورة.

۴۲. مصعب بن عبدالله. (۱۹۹۹). كتاب نسب قريش. (مصحح: لوی، پرووانسال، اواريست). دار

المعارف.

۴۳. مطری، جمال الدین محمد بن احمد. (۱۴۲۶). التعريف بما انست الهجرة من معالم دار

الهجرة. (مصحح: سليمان الرحيلي). دار الملك عبدالعزيز.

۴۴. مکارم شیرازی، ناصر. (بی تا). مناسک جامع حج (ج ۱-۱). مدرسة الإمام علی بن أبی

طالب علیه السلام.

۴۵. نابلسی، عبدالغنی. (۱۹۹۸). الحقيقة و المجاز في رحلة بلاد الشام و مصر و الحجاز. (مصحح:

رياض عبد الحميد مراد). دار المعرفة.

۴۶. ناصر خسرو. (بی تا). سفرنامه ناصر خسرو علوی. مصحح: غنی زاده سلماسی، محمود (ج ۱).

کتابفروشی محمودی.

۴۷. نصر اصفهانی، اباذر. (۱۴۰۲). مأخذ شناسی بقیع. پژوهشکده حج و زیارت.

۴۸. نوری، حسین بن محمد تقی. (بی تا). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (ج ۱-۳). مؤسسة

آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.

۴۹. واثقی، حسین. (۱۴۳۴). المدنیات. دانش حوزه.

